

نگاه بلاغی مفسران به جمله‌های خبری* در آیات قرآن

دکتر محمد فاضلی و محمد نگارش

دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

در علم معانی، جمله خبری یکی از عناصر الهام بخش معانی بلاغی است و اوج این پدیده در قرآن تجلی یافته است. مفسران پیشین، گامهای بلندی در این عرصه برداشته‌اند. از جمله آنها شیخ طوسی، زمخشری و طبرسی است. زمینه اصلی این مقاله، بررسی معانی بلاغی جمله خبری در تفسیر تبیان است. در این راستا، برای مشخص کردن میزان گستردگی دید شیخ طوسی، دیدگاه ایشان با آراء زمخشری در کشاف و طبرسی در مجمع البیان تطبیق گردیده است تا نظر آنان در این زمینه روشن شود و بدین وسیله تصویری گویا از «جمله خبری» برای خواننده به دست آید و وجوه اختلاف و قدر مشترک آراء این ادیبان با روشی تطبیقی و مقایسه‌ای نشان داده شده است.

کلیدواژه‌ها: جمله خبری، شیخ طوسی، زمخشری، طبرسی،

* - تاریخ وصول: ۸۱/۵/۴ ؛ تاریخ تصویب نهایی: ۸۲/۳/۱۹

تهدید، انکار، توبیخ.

مقدمه

بلاغت و شیوایی سخن، از آغاز خلقت، توجه انسان را به خود جلب کرده است و هر فردی برای بیان نیازهای مادی و معنوی، از جمله‌های متفاوت استفاده می‌کند. یکی از وظایف علم معانی در بلاغت، کمک به انسان در رساندن صحیح اندیشه و احساسات خود به دیگران است و جمله خبری از ابزارهای سخن در این زمینه است.

در قرآن از جمله خبری، استفاده شده است و اوج زیبایی و بلاغت جمله را در آن می‌توان یافت و علاوه بر معنی ظاهری، معانی دیگری بر جمله می‌افزاید تا زیبایی، متانت و تأثیر مناسب را در مخاطب ایجاد کند. محیط ادبیات، با این قالب و ویژگی‌های آن آشناست. شخصیت‌های برجسته علمی هر کدام به فراخور حال خود هنگام رسیدن به یکی از جمله‌های خبری در قرآن برداشت خود را بیان نمودند و تلاش و توجه مفسران به این امر پیش از سایر طبقات است.

این مقاله می‌کوشد با مبنا قرار دادن **تفسیر تبیان**، نشان دهد تا چه اندازه به معانی بلاغی جمله خبری، در آن تفسیر توجه شده است؛ سپس دیدگاه‌های این تفسیر، با **تفسیر کشف** و **تفسیر مجمع البیان** مقایسه شده است؛ تا تصویری گویا از ساختار بلاغی خبر در کتابهای تفسیر ترسیم گردد، به همین جهت از روش توصیفی در گردآوری و سازمان‌دهی اطلاعات استفاده شده است.

تعریف لغوی و اصطلاحی خبر

خبر در لغت به معنی نقل و حکایت امری و نیز به معنی دانستن و آگاه شدن است. (ابن منظور، ریشه «خبر») خبر به معنی آگاه شدن از اشیاء با خبر دادن و حکایت کردن است. (راغب اصفهانی. ریشه «خبر»)

تابستان ۸۲ نگاهي بلاغي مفسران به جمله‌هاي خبري در آيات قرآن ۲۲۵

ابن فارس (۳۹۵ ق) برای خبر سه تعریف آورده است:

۱ - لغت شناسان خبر را به معنی آگاه کردن و اطلاع‌رسانی گرفته‌اند؛
۲ - متکلمان می‌گویند: در خبر می‌توان نسبت صدق و کذب را به گوینده داد و با آن امری را در گذشته، حال یا آینده به شکل گذرا یا دائمی به مخاطب رساند؛ مانند «قام زید» و «قام زید»؛

۳ - فقیهان می‌گویند: خبر می‌تواند واجب، جایز یا ممتنع باشد؛ واجب؛ مانند «النار محرقه» جایز؛ مانند: «لقی زید عمراً» و ممتنع؛ مانند: «حملت الجبل». (ص ۱۹۷)
عبدالقاهر جرجانی (۴۷۱ ق) می‌گوید: استفاده از جمله خبری یکی از راههای ایجاد معنی است و از سه عنصر تشکیل می‌شود:

۱ - وجود امری که از آن خبر داده می‌شود؛
۲ - امر موجود با ساختار جمله فعلیه یا اسمیه می‌آید؛ مانند «خرج زید» و «زید منطلق»؛

۳ - گوینده خبر؛ نسبت صدق و کذب در جمله خبری به او نسبت داده می‌شود. (ص ۵۲۶)

محمد فاضلی می‌گوید: در جمله خبری نسبتی مثبت یا منفی میان نهاد و گزاره در عالم واقع وجود دارد که با جمله خبری بازگو می‌شود. (ص ۷۷)

زمینه تاریخی بحث

جاحظ (۲۵۵ ق) جمله خبری را به جمله صادق، کاذب و جمله‌ای که نه صادق و نه کاذب است، تقسیم نموده است. (قزوینی، محمد بن عبدالرحمن؛ ص ۱۹)

ابن قتیبه (۲۷۶ ق) معنی مبالغه را برای جمله خبری آورده است. (ص ۲۱۳)
مبرد (۲۸۶ ق) به انواع خبر توجه داشته است و برای مخاطب خالی الذهن، یا دارای شک و تردید و یا منکر مضمون خبر، جمله خبری خاص آورده است. (ص ۷۹/۱)
در نقد النثر، جمله به خبری و طلبی تقسیم شده است. (ص ۴۲)

ابن فارس (۳۹۵) ده معنی برای خیر آورده است: تعجب، نهی، تمنی، انکار، نفی، امر، تعظیم، دعا، وعد و وعید. (ص ۱۷۹)

زمینه به کارگیری جمله خبری

جمله خبری برای دو غرض به کار می‌رود:

- ۱ - آگاه ساختن مخاطب به مضمون جمله‌ای که به آن آگاهی ندارد و آن را «فایده خبر» می‌گویند؛
 - ۲ - آگاه ساختن مخاطب به آگاهی متکلم از مضمون جمله چون خود او، به این غرض «لازم فایده الخبر» می‌گویند.
- اما گاهی جمله خبری برای بازگو کردن این دو منظور به کار نمی‌رود و از آن معنای دیگری استنباط می‌شود. سخن شناسان با ذوق، متناسب با مقتضای حال، معنی مفاهیم جدیدی از این جمله دریافت می‌کنند. (هاشمی، احمد؛ ص ۵۴)
- در همین زمینه شیخ طوسی می‌گوید: در جمله خبری [انکم لتأتون الفاحشه ما سَبَقَكُمْ بها من أحد من العالمین] (عنکبوت، ۲۸) لوط، انکار خود را بر کارهای زشت قوم خویش بیان می‌کند و منظور ایشان بازگو کردن مضمون خبر به قوم خویش نیست؛ زیرا آنها از مضمون آن آگاه هستند. (۱۸۱/۸)
- از این سخن چنین بر می‌آید که غرض از خبر در این آیه «فایده خبر» یا «لازم فایده خبر» نیست؛ بلکه معنایی فراتر از آن است، از این روی در این نوشته معانی فراتر از دو غرض فوق که بر جمله خبری مترتب است و معمولاً در متن اصلی معانی بلاغی قرار دارند و شیخ طوسی در تفسیر آیات متعدد متذکر آن شده است، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد:

معانی بلاغی جمله خبری

۱ - تهدید

تابستان ۸۲ نگاهي بلاغي مفسران به جمله‌هاي خبري در آيات قرآن ۲۲۷

یکی از معانی که برای جمله خبری می‌آید تهدید است. تهدید به معنی هر گونه ارباب و ترساندن است. اگر وعده مجازات در مضمون و مفهوم جمله، یا از سیاق آن، یا از قرینه‌ای فهمیده شود، زمینه استعمال چنین جمله‌ای تهدید می‌باشد. (راغب اصفهانی، ریشه «هدد» و «خوف»)

عبارت شیخ طوسی در این زمینه متفاوت است، گاهی از مطلق تهدید و گاهی از غایت تهدید یا تهدید بلیغ استفاده نموده است؛ از جمله ذیل آیه [قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ] (حجر، ۴۱) می‌فرماید: خبر این آیه در معنی تهدید است؛ مانند: «علی طریقک و الی مصیرک» این جمله می‌تواند برای تهدید به کار رود. (۳۳۷/۶)

زمخشری (۵۷۹/۲) معنی بلاغی نیاورده و طبرسی سخن شیخ طوسی را نقل نموده است. (۱۱۷/۶)

شیخ طوسی ذیل آیه [و نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقَسَطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً و ان كان مثقال حبه من خردل أتينا بها و كفى بنا حاسبين] (انبیاء، ۴۷) می‌فرماید: در [کفی بنا حاسبين] نهایت تهدید است؛ زیرا خداوند به طور مستقیم حسابرسی را در دست دارد؛ و هیچ چیز بر او پوشیده نیست و این، مضمون تهدید را مؤثرتر می‌کند. (۲۵۴/۷) در این زمینه زمخشری (۱۲۰/۳) و طبرسی (۹۷/۷) معنی بلاغی برای این جمله نیاورده‌اند.

شیخ طوسی ذیل آیه [حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ و إِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَاناً و أضعفُ جنداً] (مریم، ۷۶) می‌فرماید: در [حتی اذا رأوا ما یوعدون اما العذاب و اما الساعة] وعده خداوند، عذاب در روز قیامت و کیفر بر مبنای استحقاق است و هر کس جایگاه بد و قدرت کم خویش را می‌بیند و در این سخن «غایت تهدید» است. (۱۴۵/۷)

زمخشری (۳۷/۳) و طبرسی (۵۱۰/۶) معنی بلاغی برای آیه نیاورده‌اند.

برای «تهدید بلیغ» ذیل آیه [رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ] (حجر، ۲)

شیخ طوسی می‌فرماید: در این آیه «تهدید بلیغ» است. اگر شخصی، پشیمانی اندک در کار او خلل وارد کند؛ بنابراین، پشیمانی زیاد، اثرات جانکاهی بر او خواهد داشت. بر همین اساس در جمله «ربما ندمت علی هذا» تهدید فهمیده می‌شود (۳۱۷/۶).
برای این آیه زمخشری معنی اجتناب از ضرر احتمالی را ذکر می‌کند (۵۷۰/۲) و طبرسی معنی تهدید را می‌آورد (۱۱۵/۶).

شیخ طوسی برای روشن شدن معنی تهدید از مثال استفاده می‌کند. ایشان ذیل آیه [وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ] (بقره، ۱۴۵) می‌فرماید: آیه معنی تهدید دارد؛ مانند: [لیس یخفی لی ما أنتم فیهِ] اگر این جمله از پادشاهی به خدمتکاران گفته شود؛ و مانند: [إِنَّ رَبَّكَ لَبَا لِمِرْصَادٍ] (فجر، ۱۴؛ ۲۵/۲)
در این رابطه زمخشری (۲۰۳/۱) و طبرسی (۴۵۳/۱) برای این آیه معنی بلاغی ذکر نکرده‌اند.

قرینه تهدید ممکن است بعد از جمله خبری بیاید؛ شیخ طوسی ذیل آیه [إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا إِنَّا آخِذُونَ بِالْكَافِرِينَ سَلَّاسِلًا وَّ أَغْلَالًا وَّ سَعِيرًا] (دهر، ۳) می‌فرماید: این آیه بدین معنی نیست که انسان حق انتخاب دارد؛ بلکه به معنی تهدید است، مانند: [فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَّ مَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ] (کهف، ۲۹) و [إِنَّا آخِذُونَ لِلظَّالِمِينَ نَارًا] معنی تهدید را برای آیه ثابت می‌کند (۲۰۷/۱).
در این رابطه زمخشری (۶۶۶/۴) و طبرسی (۲۱۴/۱۰) معنی بلاغی برای آیه نیاورده‌اند.

شیخ طوسی برای شش آیه فوق معنی تهدید را آورده است. اما زمخشری برای هیچ کدام از آنها معنی بلاغی نیاورده است و طبرسی در دو مورد معنی تهدید را آورده است.

به نظر می‌رسد که با تفاوت عبارت شیخ طوسی در بیان معنی بلاغی در جمله‌ها، مضمون تغییر می‌کند.

در تهدید مطلق عبارتها بسیار کلی است. الفاظ تهدید آمیز یا الفاظ دال بر مجازات

تابستان ۸۲ نگاهي بلاغي مفسران به جمله‌هاي خبري در آيات قرآن ۲۲۹

در آن دیده نمی‌شود؛ همان گونه که در آیه‌های [انا هديناه السبيل] یا [هذا صراط عليّ مستقيم] مشاهده می‌شود.

اما تفاوت تهدید بلیغ و نهایت تهدید، احتمالاً در آن است که در تهدید بلیغ، الفاظ تهدید آمیز، مانند دیدن عذاب «رأوا العذاب» و جایگاه بد «شر مکانا» به صراحت در جمله قابل مشاهده است؛ اما در غایت تهدید، از یک نوع پشیمانی عمیق درونی، «یود الذین کفروا»، و یک حسابرسی بسیار دقیق، «کفی بنا حاسبین» دیده می‌شود. برای دسترسی آسان به سایر آیاتی که شیخ طوسی برای آنها معنی بلاغی تهدید آورده است، این آیات فهرست‌وار ذکر می‌گردند. در معنی این آیات ویژگی خاصی دیده نشده است به همین سبب بدون توضیح خاصی آورده می‌شوند.

۱ - [الذین یجعلون مع الله الهاً آخر فسوف یعلمون] (حجر، ۹۶؛ ۳۴۵/۶).

۲ - [ان الله علیم بما یفعلون] (یونس، ۳۶؛ ۳۷۷/۵).

۳ - [سیعلمون غداً من الکذاب الاشر] (قمر، ۲۶؛ ۴۵۳/۹).

۴ - [إنّ الی ربک الرجعی] (علق، ۸؛ ۳۸۰/۱۰).

۵ - [فویل للمصلین] (ماعون، ۴؛ ۴۱۵/۱۰).

۶ - [کلاً بل تکذبون بالذین، و إنّ علیکم لحافظین] (انفطار، ۹؛ ۲۹۲/۱۰).

۷ - [إنّ الله خبیر بما تعملون] (نور، ۵۳؛ ۴۵۳/۷).

۸ - [فستعلمون کیف نذیر] (ملک، ۱۷؛ ۶۶/۱۰).

۹ - [لکم دینکم ولی دین] (الکافرون، ۶؛ ۴۲۳/۱۰).

شیخ طوسی همراه معنی تهدید، کلمات مترادفی همانند «وعید» و «تخویف» آورده است یا معانی دیگری مانند: «تنبيه» (آگاه ساختن) و «زجر» (باز داشتن و راندن) ذکر کرده است که در زیر به بحث گذاشته می‌شوند.

معانی همراه معنی بلاغی تهدید

الف - تهدید و وعید

وعید به معنی خبر بد دادن و ترساندن است (راغب اصفهانی، ریشه «وعد») اگر مخاطب از مضمون خبر آگاه است، جمله دارای معنی وعید برای دور کردن او از کفیری که در انتظار اوست، می‌آید. (دسوقی، ۲۹۳/۲)

در این معنی هشت آیه در تفسیر تبیان آمده است و در مضمون آنها خبر ناراحت کننده و سرانجام ناخوشایند دیده می‌شود. شیخ طوسی ذیل آیات [عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ، عَنِ النَّبَأِ الْعَظِيمِ، الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ، كَلَّا سَيَعْلَمُونَ، ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ] (نبأ، ۱ - ۵) می‌فرماید: جمله‌های [کلا سيعلمون، ثم کلا سيعلمون] برای معنی تهدید و وعید آمده است. خداوند به کافران می‌گوید: دست بردارید و پند گیرید، قیامت آن گونه که شما گمان می‌کنید نیست. قبل از خبر جمله سؤالی آمده است و این نشان دهنده اطلاع اجمالی آنها از قیامت است (۲۳۹/۱۰).

هم زمخشری (۶۸۴/۴) و هم طبرسی (۲۳۹/۱۰) معنی تهدید را نیز برای این جمله‌ها آورده‌اند.

در بعضی از جمله‌های خبری عمل ناپسند مخاطب در مضمون جمله آمده است. شیخ طوسی ذیل آیه [فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ] (آل عمران، ۶۳) می‌فرماید: نام مفسدان برای تهدید و وعید در جمله آمده است و این تهدید به خاطر انجام فساد و تباهی است؛ مانند [انا اعلم بسر فلان و ما یجری الیه من الفساد] (۴۸۷/۲).

زمخشری این آیه را برای وعید آورده است. (۳۷۰/۱) طبرسی، توضیحات شیخ طوسی را آورده است و تنها اختلاف موجود در مثال است: «انا عالم بشرک و فسادک» (۳۸۱/۲).

در ذیل آیه [وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ] (مرسلات، ۱۵) شیخ طوسی می‌فرماید: این آیه برای وعید و تهدید آمده است (۲۶۶/۱۰).

در این رابطه زمخشری معنی بلاغی برای آیه نیاورده است. (۶۷۸/۴) طبرسی

تابستان ۸۲ نگاهي بلاغي مفسران به جمله‌هاي خيري در آيات قرآن ۲۳۱

می‌گوید: دروغ پنداشتن قیامت، همه نافرمانیها را به دنبال دارد؛ به همین جهت وعید مخصوص دروغ‌گویان است (۲۵۸/۱۰).

ممکن است برای رساندن معنی تهدید، به جمله خبری، از زاویه‌های مختلفی نگاه شود. شیخ طوسی ذیل آیه [سَفَرُكُمْ لَكُمْ أَيْةُ النَّقْلِ] (رحمن، ۳۱) می‌فرماید: در این جمله رساترین وعید و مؤثرترین تهدید دیده می‌شود، و برای این معنی دو دیدگاه وجود دارد:

۱ - تهدید در عمل اجرا می‌شود و کار از حرف گذشته است.

۲ - برای عدم کوتاهی در انجام تهدید خود را مهیا می‌کنیم؛ و به این ترتیب تهدید را بلیغ نشان می‌دهد.

زمخشری (۴۴۸/۴) و طبرسی (۳۴۱/۹) نیز همین معنا را برای آیه آورده‌اند.

در چهار آیه فوق، در سه مورد زمخشری با شیخ طوسی در معنی بلاغی هم نظر بوده است و طبرسی در همه موارد موافق بوده است. و در همه آیات الفاظ تهدید کننده مانند حرف ردع «کلاً» یا کلمه عذاب «ویل» همراه با دروغ خواندن کافران در «ویل للمکذبین» یا یادآوری عمل ناپسند کافران «الفساد» و یا مفهوم دست کشیدن از همه چیز و پرداختن به کار جن و انس؛ «سفرغ» همه اینها تهدید و وعید، ایجاد ترس و اخبار ناگوار را به مخاطب القا می‌کنند.

در آیات ذیل معنی وعید و تهدید آمده است، چون ویژگی خاصی در آنها دیده نشده است تنها به ذکر آنها بسنده می‌شود تا علاقه‌مندان به آنها دسترسی داشته باشند.

۱ - [إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ، وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَشَرَتْ، وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ، وَإِذَا الْقُبُورُ

بعثرت، علمت نفسٌ ما قَدَّمَتْ و أَخْرَتْ] (انفطار، ۵ - ۱؛ ۲۹/۱۰).

۲ - [إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ] (نحل، ۹۱؛ ۴۰۲/۶).

۳ - [سَأَصْلِيهِ سَقَرًا] (مدثر، ۲۶؛ ۱۷۹/۱۰).

۴ - [إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ] (بروج، ۱۲؛ ۳۲۰/۱۰).

ب - تهدید و تخويف

گاهی الفاظ تهدید و تخويف به شکل مترادف برای معنی جمله خبری آورده می‌شود. شیخ طوسی ذیل آیه [إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ] (اعراف، ۱۲۲) می‌فرماید: «فسوف تعلمون» معنی تهدید و تخويف دارد. ساحران نادانی کردند و نتیجه آن را خواهند دید و این از صریح آوردن تهدید رساتر است (۵۰۹/۴).

برای این آیه زمخشری (۱۳۶/۲) و طبرسی (۳۳۳/۴) تهدید مجمل آورده‌اند و تفصیل آن را در آیه [لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ] (اعراف، ۱۲۳) قرار دادند.

برای آیه [فَأَنْذَرْتُمْ نَارًا تَلْظَى] (لیل، ۱۴) شیخ طوسی معنی تهدید و تخويف آورده است (۳۶۵/۱۰).

زمخشری معنی بلاغی برای آیه نیاورده است. (۷۵۲/۴) طبرسی سخن شیخ طوسی را نقل کرده است (۳۷۷/۱۰).

زمخشری برای یکی از این آیات معنی تهدید نیاورده است. عناصر تهدید کننده و عامل ترس در این آیات آوردن جمله اسمیه، ادات تأکید «ان»، «لام ابتداء» آوردن اسم اشاره «هذا» برای بیان عظمت عمل انجام شده، یاد کردن از مکر و آوردن جمله فعلیه به عنوان صفت از اشتقاق همان اسم، همه اینها می‌تواند در بروز تهدید مؤثر باشند و در آیه دیگر در لفظ آیه تهدید هویداست؛ چون کلمه أنذر، نار و تلظی، هر کدام از اینها می‌تواند ترس را در دل مخاطب ایجاد کند.

ج - زجر و تهدید

«زجر» به معنی راندن و فریاد زدن بر سر کسی است (راغب اصفهانی، ریشه «زجر»). ممکن است معنی زجر و تهدید برای جمله خبری بیاید. شیخ طوسی ذیل آیه [وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَبْدُونَ وَ مَا تَكْتُمُونَ] (مائده، ۱۰۰) می‌فرماید: حالت آشکار و پنهان شما

تابستان ۸۲ نگاهی بلاغی مفسران به جمله‌های خبری در آیات قرآن ۲۳۳

بر خداوند پوشیده نیست بر همین اساس آیه، نهایت تهدید و زجر را می‌رساند. (۳۴/۴) در این رابطه زمخشری برای این آیه معنی بلاغی نیاورده است (۶۸۲/۱). طبرسی این آیه را مانند شیخ طوسی شرح داده است (۴۲۶/۳).

شیخ طوسی ذیل آیه‌های [قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، وَ لَنْ يَتَمَنَّوَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ] (بقره، ۹۶، ۹۵) می‌فرماید: جمله [و الله عليم بالظالمين] برای تهدید و زجر ستمکاران آمده است، به همین دلیل تنها از ستمکاران نام برده است (۳۵۸/۱).

زمخشری معنی تهدید را برای آیه آورده است (۱۶۸/۱). طبرسی توضیحات شیخ طوسی را نقل کرده است (۳۱۰/۱).

ذیل آیه [يا ايها الذين آمنوا عليكم أنفسكم لا يضركم من ضل إذا اهتديتم، الى الله مرجعكم جميعاً فينبئكم بما كنتم تعملون] (مائدة، ۱۰۸) می‌فرماید: در جمله [فينبئكم بما كنتم تعملون] نهایت زجر و تهدید است؛ زیرا خداوند شما را از اطاعتها و نافرمانیهایتان آگاه می‌کند سپس کیفر می‌دهد (۴۱/۱).

درباره معنی بلاغی آیه زمخشری سخنی نگفته است (۶۷۲/۱). طبرسی این آیه را نیز برای نهایت تهدید و زجر آورده است (۴۳۵/۳).

در این آیه زمخشری در یک آیه معنی تهدید را آورده است و در آیه دیگر معنی بلاغی ذکر نکرده است. در این دو آیه به کارنامه عمل توجه شده است، [بما قدمت ايديهم] و [ينبئكم بما كنتم تعملون]؛ و با آوردن آگاهی خداوند به نوعی درصدد در هم ریختن افراد از درون است؛ در هر دو بازگشت به سوی خداوند در آنها دیده می‌شود [فتمنوا الموت] و [الى الله مرجعكم جميعاً]، همه این عناصر می‌توانند تهدید و بازدارندگی را به مخاطب القا کنند.

د - وعد، وعید، امر و زجر

وعد، در وعده خیر و شر به کار می‌رود؛ اما وعید تنها در وعده شر به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ریشه «وعد»). ممکن است معنی وعد، وعید، امر و زجر برای جمله خبری بیاید. شیخ طوسی ذیل آیه [وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تُقَدِّمُوا مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ] (بقره، ۱۱۰) می‌فرماید: معنی جمله [إِنْ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ] آن است که خداوند بر کار نیک و بد شما آگاه است و پاداش و کیفر شما را خواهد داد؛ پس هنگام انجام کار بدانید که هیچ چیز بر او پوشیده نیست؛ به همین خاطر در این خبر معنی وعد، وعید، امر و زجر وجود دارد (۴۰۹/۱).

زمخشری اشاره‌ای به معانی بلاغی در این آیه نداشته است (۱۷۷/۱). طبرسی توضیحات شیخ طوسی را برای این آیه آورده است (۳۴۹/۱).

چون پشت بند [إِنْ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ]، دو فعل امر: [أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ] و یک جمله شرطیه است، بنابراین غیر از آخر آیه می‌تواند معنی وعده خیر داشته باشد؛ زیرا با سفارش به نماز و زکات و ایجاد انگیزه در انجام آنها در جمله شرطی این معنی و معنی امر حاصل می‌شود و با بیان آگاهی خداوند و تعلیق پاداش در نزد خداوند به انجام عمل، به نوعی مفهوم تهدید و بازدارندگی را می‌رساند.

۲ - تحذیر

تحذیر در لغت به معنی بر حذر داشتن، توجه دادن و هشیاری دادن کسی از چیزی یا در مقابل چیزی آمده است؛ (آذرنوش، ریشه «حذر») و نیز به معنی پرهیز و احتراز از امر ترسناک یا پرهیز و احتیاط از خطری که ممکن است در آینده پیش بیاید (راغب اصفهانی، ریشه «حذر»).

شیخ طوسی برای این معنی گاهی لفظ تحذیر و گاهی اتم التحذیر و یا تحذیر و تشویق را آورده است. اگر مضمون خبر از نظر خداوند ناپسند باشد، ممکن است جمله خبری حمل بر تحذیر شود. شیخ طوسی ذیل آیه [و إِنْ أَنْتُمْ لَنْعَلَمُ أَنْ مِّنْكُمْ مُّكذِّبِينَ] (حاقه،

تابستان ۸۲ نگاهي بلاغي مفسران به جمله‌هاي خبري در آيات قرآن ۲۳۵

۴۹) می‌فرماید: در این آیه خداوند از دروغ پنداشتن حق بر حذر کرده است؛ زیرا کیفر دروغ آنها را خواهد داد (۱۱۱/۱۰).

زمخشری می‌گوید: برای احتراز از دروغ‌گویی این جمله در معنی تهدید است (۵۹۴/۴). طبرسی در این باره مطلبی نیاورده است (۱۱۵/۱۰).

شیخ طوسی لفظ «أتم التحذیر» را برای جمله خبری نیز آورده است. ایشان ذیل آیه [رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنَ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا] (نبأ، ۳۷) می‌فرماید: کافران تنها در موردی که به آنها اجازه داده شد اجازه سؤال کردن دارند؛ مانند [لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى] (انبیاء، ۲۸) است که برای تفهیم عدم اعتماد به شفاعت تحذیر کامل از آیه استنباط می‌شود (۲۴۸/۱۰).

زمخشری (۶۹۱/۴) و طبرسی (۲۴۷/۱۰) در این زمینه سخنی نگفته‌اند. گاهی معنی تحذیر و تشویق برای جمله خبری می‌آید. شیخ طوسی ذیل آیه‌های [و إِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ، بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ] (انشقاق، ۲۲، ۲۱) می‌فرماید: روی گردانی از تلاوت قرآن به علت جهل و غفلت است؛ به همین دلیل از این آیه معنی بر حذر داشتن از جهل و تشویق به علم استنباط می‌شود (۳۱۴/۱۰).

در این رابطه زمخشری (۷۳/۴) و طبرسی (۳۰۸/۱۰) معنی بلاغی برای آیه نیاورده‌اند.

۳ - انکار

انکار به معنی ندانستن، نشناختن، عیب کردن، نهی کردن و نپذیرفتن است (ابن منظور، ریشه «نکر»).

انکار در اصطلاح به معنی نفی اعتقاد مخاطب به مضمون جمله خبری است؛ به همین خاطر مضمون جمله، برای مخاطب منفی است و بر وفق اعتقاد گوینده می‌باشد؛ و این از توضیحات شیخ طوسی هویدا است که ذیل آیه [و يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدِ انْ] و این از توضیحات شیخ طوسی هویدا است که ذیل آیه [و يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدِ انْ]

کنتم صادقین قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ] (یونس، ۴۸، ۴۹) می‌فرماید: در جمله [لا أملك لنفسی ضراً و لا نفعاً] معنی انکار وجود دارد و پیامبر می‌گوید: تنها مالک اختیار امری هستم که خداوند به من داده است و مالک اختیار شما نیستم (۳۸۹/۵).

در این آیه زمخشری (۳۵۰/۲) و طبرسی (۱۹۶/۵) مفهوم بلاغی ندیده‌اند. شیخ طوسی ذیل آیه [و رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذَا قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوا مِنْ دُونِهَا إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهَا آلِهَةً] (کهف، ۱۴، ۱۵) می‌فرماید: جوانمردان اصحاب کهف عمل مردم خویش را انکار می‌کنند. آنها بت پرستیدند و از خداوند روی گردانی کردند (۱۴/۷).

در این زمینه زمخشری آیه را در معنی انکار گرفته است (کشاف، ۶۸۰/۲). طبرسی برای آیه معنی بلاغی نیاورده است (مجمع البیان، ۳۷۱/۶).

شیخ طوسی ذیل آیه [و إِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتِي مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ، اللَّهُ أَغْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ] (انعام، ۱۲۴) می‌فرماید: خبر در این آیه در معنی انکار است و خداوند بهتر می‌داند رسالت خود را در کجا قرار دهد. خداوند آگاهی را از کافران نفی کرده است (۲۶۲/۴).

زمخشری (۶۳/۲) و طبرسی (۱۵۶/۴) نیز آیه را برای انکار آورده‌اند. ممکن است انکار و توییح برای معنی جمله خبری بیاید. شیخ طوسی ذیل آیه [قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَا بِهِ وَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ] (ملک، ۲۹) می‌فرماید: جمله [هو الرحمن] به معنی توییح و انکار کار کافران است؛ چون تنها مسلمانان به خداوند ایمان و توکل نمودند و کافران این عمل را انجام نداده‌اند، به همین علت در گمراهی آشکار هستند (۷۱/۱۰).

زمخشری معنی بلاغی برای آیه ذکر نکرده است (۵۸۳/۴). طبرسی معنی توییح را برای آیه آورده است (۸۱/۱۰).

تابستان ۸۲ نگاهي بلاغي مفسران به جمله‌هاي خيري در آیات قرآن ۲۳۷

ذیل آیه [إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً] (معارج، ۶، ۷) شیخ طوسی می‌فرماید: خداوند این آیه را برای بیان انکار خود از دور انگاشتن قیامت آورده است (۱۱۶/۱۰). زمخشری (۵۹۵/۴) و طبرسی (۱۲۰/۱۰) برای آیه معنی بلاغی بیان نکرده‌اند. در این پنج آیه در دو جا زمخشری با شیخ طوسی هم عقیده بوده است و در دو جای دیگر با طبرسی و در آیه [اللّٰهُ اعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ] هر سه یک دیدگاه داشته‌اند، در این آیات معنی عدم پذیرش دیدگاه کافران و رد آن قابل مشاهده است. در [لا املك لنفسي نفعاً ولا ضراً] پیامبر عقیده توانایی بر دست گرفتن سود و زیان خویش را نفی کرده است؛ زیرا از پیامبر انتظار چنان بود که راه پیروزی را برای یاران خود هموار سازد. در [اللّٰهُ اعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ]، خداوند بر صلاحیت خویش در تعیین پیامبر تأکید نموده است و نظرات دیگر را نپذیرفته است. در آیات دیگر نیز بر همین مبنا می‌توان مفهوم انکار را از آنها برداشت نمود.

۴ - توبیخ

توبیخ، سرزنش کردن بر کاری است که نمی‌بایست در گذشته انجام می‌شد یا در آینده انجام گیرد؛ هدف از توبیخ، ایجاد زمینه برای اظهار پشیمانی از گذشته و جلوگیری از انجام کار در آینده است (دسوقی، ۳۰۰/۲). ممکن است الفاظ توبیخ، تکیه و تقریب به شکل مترادف با هم یا به تنهایی برای جمله خبری بیابند. این کاربرد به سه شکل مشاهده گردید:

۱ - توبیخ، تکیه و تقریب با هم برای جمله خبری بیابند.

ذیل آیه [ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ، ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ] (مطففین، ۱۶، ۱۷) شیخ طوسی می‌فرماید: در جمله [هذا الذي كنتم به تكذبون] معنی تقریب، تکیه و توبیخ استنباط می‌شود؛ زیرا کیفری که می‌بینند، نتیجه تکذیب آنها در دنیا است و این خبر برای مذمت، نکوهش و کوبیدن آنها آمده است (۳۰۰/۱۰).

زمخشری در این باره سخن نگفته است (۷۲۲/۴). طبرسی، آیه را همانند، شیخ

طوسی شرح داده است. (۲۹۴/۱۰)

۲ - توبیخ، تقریر و تبکیت، جداگانه استعمال شوند.

الف - تبکیت

ذیل آیه [إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ] (دخان، ۱۵) شیخ طوسی می‌فرماید: خداوند با تبکیت، به کافران می‌گوید: ما عذاب را از شما برداشتیم؛ اما باز به سوی آن باز می‌گردید (۲۲۸/۹).

زمخشری (۲۷۳/۴) و طبرسی (۱۰۵/۹) در این باره سخنی نگفته‌اند.

ب - تقریر

ذیل آیه‌های [إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا لِلطَّٰغِينَ مَآبًا... إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا] (نبا، ۲۱، ۲۲، ...، ۲۷) شیخ طوسی می‌فرماید: خداوند به سرکشان می‌گوید: برای دروغ پنداشتن آخرت، انتظار پاداش نیک نداشته باشید. به جای اعتقاد به قیامت، آن را انکار کردید؛ پس تقریر شما شدیدتر است (۲۴۲/۱۰).

ج - توبیخ

ذیل آیه [هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ] (طور، ۱۴) شیخ طوسی می‌فرماید: با این جمله کافران توبیخ می‌شوند. آنها در دنیا منکر پاداش و زنده شدن بودند؛ پس آتش جهنم دامنگیر آنها می‌شود (۴۰۴/۹).

زمخشری معنی بلاغی برای آیه نیاورده است (۴۰۹/۴). طبرسی معنی توبیخ را آورده است (۷۳/۹).

ذیل آیه [يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ] (قلم، ۴۲) شیخ طوسی معنی توبیخ را آورده است (۸۷/۱۰).

زمخشری در این باره مطلبی نیاورده است (تبیان، ۱۴۱۵، ۵۹۳/۴). طبرسی معنی

تابستان ۸۲ نگاهي بلاغي مفسران به جمله‌هاي خيري در آيات قرآن ۲۳۹

توبيخ را آورده است (۱۴۱۵، ۹۷/۱۰).

در بيان تفاوت ميان معنی تبکیت، تفریع و توبيخ می‌توان گفت که در [إِنَّكُمْ عَائِدُونَ] برخورداري تند با کافران است؛ چون با آوردن اسم فاعل کاشفون و عائدون و تأکید آنها با «ان»، استمرار این عمل، تأکید شده است و ... اگر بعد از استراحتهای کوتاه شخص در انتظار عذاب باشد، این لحظات برای او بسیار رنج‌آور خواهد بود. در [لا یرجون حساباً] برخورداري تند مشاهده می‌شود، چون وارد شدن آنها به جهنم به دلیل امید نداشتن به حسابرسی است و این عملی است که نمی‌بایست انجام دهند. در [هذه النار التي كنتم بها تكذبون] سرزنش آنها به خاطر عملی است که باعث وارد شدن آنها به جهنم شده است.

۳- معنی توبيخ با اهانت برای جمله خبری بیاید

ذیل آیه [الآن و قد عصيت قبل و كنت من المفسدين] (یونس، ۹۱) می‌فرماید: این جمله برای اهانت و توبيخ فرعون آمده است و در جواب جمله [أمنت أنه لا اله الا الذي آمنت به بنو اسرائيل] گفته شده است (شیخ طوسی، ۴۲۸/۵).
در این باره زمخشری (۱۲۵/۲) و طبرسی (۲۲۲/۵) مطلبی نیاورده‌اند.

۵- ترغیب

رغبت به معنی دوست داشتن، تمایل داشتن و روی آوردن به چیزهایی است که برای انسان سودمند است؛ متضاد این کلمه هیبت و ترس است (شیخ طوسی، ۴۶۸/۱).
شیخ طوسی در این زمینه گاهی معنی ترغیب را به تنهایی به کار برده است و گاهی آن را با معنی امر یا تزهید و بی‌رغبتی آورده است که در ذیل به آنها پرداخته است.

ذیل آیه [لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ] (آل عمران، ۹۲) شیخ طوسی می‌فرماید: خبر در این آیه برای تشویق آمده است؛ و مراد

از صدقه، صدقه به شکل عام است تا مبالغه در ترغیب و تشویق را برساند (۵۳۰/۲).
 زمخشری در این رابطه سخنی نگفته است. (۳۸۴/۱) طبرسی سخن شیخ طوسی را
 نقل نموده است (۳۴۳/۲). و ذیل آیه [و یَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ یَوْمَئِذٍ یَتَفَرَّقُونَ] (روم، ۱۴)
 شیخ طوسی می‌فرماید: در روز قیامت هیچ کس به نیاز دیگری توجه نمی‌کند، بر همین
 اساس نهایت تشویق برای ایجاد آمادگی برای قیامت در این جمله فهمیده می‌شود
 (۲۳۶/۸).

برای این جمله‌ها زمخشری (۴۷۰/۳) و طبرسی (۵۰/۸) معنی بلاغی نیاورده‌اند.
 ممکن است تشویق و امر برای معنی جمله خبری بیاید. شیخ طوسی ذیل آیه‌های
 [قد أفلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون و الذين هم عن اللغو معرضون و
 الذين هم للزكوة فاعلون و الذين هم لقروبهم حافظون إلا على أزواجهم أو ما ملکت
 أیمانهم فإنهم غیر ملومین فمن ائبغی وراء ذلك فأولئك هم العادون] (مؤمنون، ۷ - ۱)
 می‌فرماید: خداوند با آوردن این صفات، افراد را برای بدست آوردن آنها تشویق و
 ترغیب می‌کند و جمله خبر جانشین جمله امری شده است؛ غرض از امر نشان دادن
 توجه و اعتنا به مضمون امر است در این جمله نیز چنین عملی انجام گرفته است
 (۳۴۸/۸).

زمخشری (۴۷۰/۳) و طبرسی (۵۰/۸) در این باره سخنی نگفته‌اند.
 تشویق و تخویف ممکن است برای معنی جمله خبری بیاید. ذیل آیه [نبیء عبادی
 انی انا الغفور الرحیم و ان عذابی هو العذاب الالیم] (حجر، ۴۹، ۵۰) شیخ طوسی
 می‌فرماید: دو جمله خبری، معطوف به هم برای تشویق به اطاعت و ترساندن از
 نافرمانی آمده‌اند (۳۴۰/۶).

زمخشری (۵۸۰/۲) و طبرسی (۱۱۸/۶) معنی بلاغی برای آیه‌ها نیاورده‌اند.
 ترغیب و تزهید و بی‌رغبته می‌تواند غرض بلاغی جمله خبری باشد. ذیل آیه
 [و ما آتیتم من ربا لیربوا فی أموال الناس فلا یربوا عندالله و ما آتیتم من زکوة تُریدون
 وجهه الله فأولئك هم المضعفون] (روم، ۳۹) شیخ طوسی می‌فرماید: در این دو جمله

تابستان ۸۲ نگاهي بلاغي مفسران به جمله‌هاي خيري در آيات قرآن ۲۴۱

غرض نشان دادن بی‌رغبتی و تزهید به ربا و تشویق به دادن زکات است؛ مانند [يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ] (بقره، ۲۷۶؛ ۲۵۴/۸).

درباره معنی بلاغی آیه زمخشری (۴۸۱/۳) و طبرسی (۶۳/۸) مطلبی نیاورده‌اند.

۶ - تسلی

تسلی به معنی از بین رفتن غم و اندوه، تسلی خاطر و آرامش خیالی است که از توجه به غم و اندوه باز می‌دارد (شیخ طوسی، ۲۵۹/۱).

ذیل آیه‌های [قال فرعون آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ أَدْنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرَتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لَتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافِ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ] (اعراف، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴) شیخ طوسی می‌فرماید: فرعون ساحران را به قطع دست و پا و به دار آویختن تهدید کرده است؛ و ساحران جمله [إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ] را برای تسلی خاطر و رسیدن به آرامش گفتند (۵۱۰/۴).

این معنی را زمخشری برای این آیه نیاورده است (۱۲۷/۲) طبرسی، مطالب شیخ طوسی را آورده است (۳۳۳/۴).

۷ - نهی

ذیل آیه [وَاِذَا أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَ تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ] (بقره، ۸۴) می‌فرماید: معنی جمله [لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ] نهی از کشتن یکدیگر است (شیخ طوسی، ۳۳۲/۱).

زمخشری (۱۶۰/۱) و طبرسی (۲۸۷/۱) برای این آیه معنی بلاغی ذکر نکرده‌اند.

شیخ طوسی ذیل آیه [الزَّانِي لَا يَنْكِحُ الْأَزْوَاجَ أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكَةٌ] (نور، ۳) می‌فرماید: آیه به صورت خبر است، اما غرض از آن نهی است (۴۰۷/۷).

زمخشری (۲۱۳/۳) و طبرسی (۲۲۰/۷) هر دو آیه را برای نهی آورده‌اند.

۸ - مبالغه

ممکن است معنی مبالغه برای جمله خبری بیاید. ذیل آیه [و هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ] (بقره، ۲۹) شیخ طوسی می‌فرماید: در جمله [و هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ] معنی مبالغه است و خداوند بر همه چیز آگاه است (۱۲۸/۱).

زمخشری (۱۲۳/۱) و طبرسی (۴۵۲/۱) هر دو سخنی در این باره نیآورده‌اند. ذیل آیه [و لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ] (آل عمران، ۱۸۹) شیخ طوسی می‌فرماید: جمله [و اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ] برای بیان معنی مبالغه آمده است (۸۷/۳).

زمخشری (۴۵۲/۱) و طبرسی (۴۷۰/۲) معنی بلاغی برای آیه نیآورده‌اند. ممکن است مراد شیخ طوسی از مبالغه همان تأکید باشد و با آوردن اسم عام «کل» و نکره آوردن «شیء» و آوردن صفت مشبهه علیم و قدیر، این معنی از این جمله‌ها استنباط شده است.

۹ - نفرین

ذیل آیه [فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ] (بقره، ۱۰) شیخ طوسی می‌فرماید: [جمله فزادهم الله مرضاً] برای نفرین منافقان آمده است. مانند [انصرفوا صرف الله قلوبهم] (توبه، ۱۲۸) (۷۲/۱) لازم به یادآوری است که این دو جمله از نظر ساختاری جمله خبری هستند به همین سبب در این گفتار لحاظ شده‌اند.

زمخشری (۶۰/۱) معنی بلاغی برای آیه نگفته است و طبرسی (۱۰۲/۱) همین معنا را آورده است.

۱۰ - خشم

ذیل آیه [قال رب انی لا املک الا نفسی و اخی فافرق بیننا و بین القوم الفاسقین] (مائده، ۲۶) شیخ طوسی می‌فرماید: مردم از فرمان حضرت موسی سرپیچی کردند و چون تنها اختیار برادر خود را داشت، برای بیان خشم خود جمله [انی لا املک الا نفسی و اخی] را گفته است (۴۸۸/۳).

زمخشری جمله خبری را بیان غم و شکایت حضرت موسی آورده است (۶۲۱/۱).
طبرسی همانند شیخ طوسی سخن گفته است (۳۱۲/۳).

ذیل آیه [ان الذین یکتُمون ما انزل الله من الکتاب و یشترون به تمناً قليلاً اولئک ما یأکلون فی بطونهم الا النار و لا یکلّمهم الله یوم القیامه و لا یزکیهم و لهم عذاب الیم] (بقره، ۱۷۴) شیخ طوسی می‌فرماید: جمله [و لا یکلّمهم الله یوم القیامه] برای نشان دادن خشم خداوند از کافران آمده است (۸۹/۲).

زمخشری معنی خشم و تعریض و زخم زبان زدن را برای این جمله آورده است (۲۱۶/۱).
طبرسی مطالب شیخ طوسی را در این زمینه آورده است (۴۷۹/۱).

در آیه اول احتمالاً آوردن آیه برای بیان خشم موسی (ع) مناسبتر است تا بیان غم و شکایت. زیرا هنگام پی بردن به انحراف مردم، موسی برای بیان شدت خشم خود این جمله را گفته است. به همین دلیل، خواستار جدا شدن خود از آنها شده است؛ و این به خاطر خشم و عصبانیت است.

۱۱ - مسخره کردن

ذیل آیه [قالوا یا شعیب اصلاتک تأمرک ان نترک ما یعبد آباؤنا او ان نفعل فی اموالنا ما نشاء انک لانت الحلیم الرشید] (هود، ۸۷) شیخ طوسی می‌فرماید: قوم شعیب جمله [انک لانت الحلیم الرشید] را برای مسخره کردن گفته‌اند (۵۰/۶).

زمخشری (۴۲۰/۲) و طبرسی (۳۲۲/۵) نیز معنی مسخره کردن را برای این جمله آورده‌اند.

۱۲ - عذرخواهی

ذیل آیه [إِذْ قَالَتْ امْرَأَةُ عِمْرَانَ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فَلَمَّا وَضَعَتَهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ [آل عمران، ۳۵، ۳۶] شیخ طوسی می‌فرماید: جمله [انی وضعتها انثی] را زن عمران برای عذرخواهی از برآورده نشدن نذر خویش گفته است؛ زیرا رسم بر این است که تنها پسران برای خدمت کردن به بیت المقدس نذر می‌شدند (۴۴۴/۲).

زمخشری معنی حسرت و غم و اندوه را برای این جمله آورده است (۳۵۶/۱).
طبرسی سخن شیخ طوسی را آورده است (۲۸۱/۳).
در کتب بلاغت غالباً معنی حسرت و اندوه برای این جمله آمده است.

۱۳ - تعجب

ذیل آیه [وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ] (آل عمران، ۴۴) شیخ طوسی می‌فرماید: جمله خبری در این آیه به معنی تعجب است و این تعجب یا از مشاهده‌ی علاقه‌ی علمای بنی اسرائیل برای سرپرستی مریم است، یا از زد و خورد و بحران به وجود آمده میان آنها برای این امر است (۴۵۹/۲).

زمخشری در این باره سخنی نگفته است (۲۶۲/۱). طبرسی مطالب شیخ طوسی را آورده است (۲۹۲/۲).

۱۴ - تعظیم و مدح

ذیل آیه [وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ تَرْجِعُ الْأُمُورَ] (آل عمران، ۱۰۹) شیخ طوسی می‌فرماید: این آیه برای بیان عظمت و مدح خداوند آمده است (۵۵۵/۲).

زمخشری (۴۰۰/۱) و طبرسی (۳۶۴/۱) درباره‌ی این آیه مطلبی نیاورده‌اند.

۱۵ - ملاطفت

ذیل آیه [و مِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَ رَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ وَ أَنْ كَذَّبُوا فَقُلْ لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلُكُمْ وَ أَنْتُمْ بَرِيءُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَ أَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ] (یونس، ۴۱، ۴۲) شیخ طوسی می‌فرماید: جمله خبری، برای خوش صحبتی و ملاطفت با کافران آمده است و سخنی که دوست ندارند نیاورده است (۳۸۱/۵).

زمخشری در این زمینه سخنی نگفته است (۳۸/۲). طبرسی آیه را مانند: [اعملوا علی مَكَاتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ] (انعام، ۱۳۵) و [قل یا ایها الکافرون] تا آخر سوره، برای وعید آورده است (۱۹۱/۵).

در این آیات چون صحبت از نفوذ سخن در میان مردم است که بعضی از آنها سخن پیامبر را می‌پذیرند و ایمان می‌آورند و گروهی دیگر ایمان نمی‌آورند، می‌توان نتیجه گرفت که معنی ملاطفت در این جمله بهتر است.

۱۶ - دوام

ذیل آیه [وَ أَدْخِلِ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ] (ابراهیم، ۲۳) شیخ طوسی می‌فرماید: بهشتیان با جمله [تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ] یکدیگر را به دوام سلامتی بشارت می‌دهند (۲۹۱/۶).

درباره این آیه زمخشری (۵۵۲/۲) و طبرسی (۷۲/۵)، معنی بلاغی ذکر نکرده‌اند. آنچه گذشت مجموع معانی بلاغی است که شیخ طوسی برای جمله خبری آورده است و در پی آن نظر زمخشری و طبرسی نقل گردید.

یافته‌های تحقیق

قرآن به اعتراف خاص و عام، زیباترین سخن جهان هستی است. بشریت زیباتر از آن ندیده و نخواهد دید. راز زیبایی جمله در قرآن، با تفاوت نوع و سطح برداشت تغییر می‌کند. معنا شناسی جمله خبری از همان ابتدا دانشمندانی مانند جاحظ (۲۵۵ ق)،

ابن قتیبه (۲۷۶ ق)، مبرد (۲۸۶ ق) و ... را به خود مشغول کرده است. شیخ طوسی (۴۶۰ ق) دانشمند و مفسر بزرگ، به گوشه‌ای از این معانی توجه داشته است. ایشان در *تفسیر تبیان* معانی متفاوتی برای جمله خبری آورده است. برای بررسی میزان توجه به معانی جمله خبری، دیدگاه ایشان از این تفسیر گردآوری و سپس این معانی طبقه‌بندی و شرح گردید و با دیدگاههای زمخشری مفسر سترگ بلاغی در *تفسیر کشاف* و طبرسی در *تفسیر مجمع البیان* مقابله و مقایسه گردید. شیخ طوسی برای جمله خبری شانزده معنی بلاغی آورده است. طبرسی درباره این جمله‌ها بیشتر از نظر شیخ طوسی متابعت نموده است و گاهی نظری دیگر می‌آورد و گاهی در این باره سکوت اختیار می‌کند، میزان معانی بلاغی زمخشری خیلی کم است. در تعدادی از آنها با نظر شیخ طوسی موافقت نموده است و در تعدادی دیگر نظری دیگر آورده است. نمودار زیر میزان تفاوت دیدگاههای این مفسران را نشان می‌دهد.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش؛ *فرهنگ معاصر عربی - فارسی*، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹ ش.
- ابن فارس، احمد بن فارس؛ *الصاحبی فی فقه اللغة العربیه*، بیروت، مکتبه المعارف، ۱۴۱۴ ق.
- ابن قتیبه، محمد بن عبدالله؛ *تأویل مشکل القرآن*، تحقیق سید احمد صقر، قاهره، ۱۹۵۴ م.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن؛ *دلائل الاعجاز فی علم المعانی*، تصحیح محمد عبده، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۵ ق.
- الدسوقی، عبدالله بن یوسف؛ *الحاشیه*، *شروح التلخیص*، قم، ادب الحوزه، بی تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی،

تابستان ۸۲ نگاهی بلاغی مفسران به جمله‌های خیری در آیات قرآن ۲۴۷

دمشق، دار القلم، ۱۴۱۲ق.

- زمانی، علی بن عیسی، «النکت فی اعجاز القرآن»، ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، تحقیق محمد خلف الله، قاهره، دار المعارف، بی تا.

- زمخشری، جار الله محمود بن عمر؛ *الكشاف*، قم، منشورات البلاغه، ۱۴۱۵ق.

- طبرسی، الفضل بن الحسن؛ *مجمع البیان*، بیروت، دار النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق.

- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن الحسن؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*، قم، ۱۴۱۳ق.

- فاضلی، محمد؛ *دراسة و نقد فی مسائل بلاغیه هامه*، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۶ش.

- قدامه بن جعفر بغدادی؛ *نقد النشر*، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ چهارم، ۱۹۸۴م.

- قزوینی، محمد بن عبدالرحمن؛ *الایضاح فی علوم البلاغه*، قم، دار الکتب السلامیه،

۱۴۱۱ق.

- مبرد، محمد بن یزید؛ *الکامل فی اللغه و الادب*، تحقیق زکی مبارک، چاپخانه بابی حلبی،

۱۹۲۷م.

- الهاشمی، احمد؛ *جواهر البلاغه*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی